

جهانی شدن و حاکمیت قانون

ویراستار
سید زینکاک

مترجم
مجید بخشی دانه



مرکز علمی جهانی شدن

۱۳۹۳

عنوان و نام پدیدآور: جهانی شدن و حاکمیت قانون / [ویراستار اسپنسر زیفکاک]؛ مترجم مجید بخشی گنجه؛ ویراستار پونه لشگری.
مشخصات نشر: تهران مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۳۵۴ ص.
شابک: 978-600-7046-03-6
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Globalisation and the Rule of Law.
یادداشت: کتابنامه.
یادداشت: نمایه.
موضوع: حکومت قانون
موضوع: جهانی شدن
شماره افزوده: زیفکاک، اسپنسر، ۱۹۵۰ - م.، ویراستار
شماره افزوده: Zifcak, Spencer:
شناسه افزوده: بخشی گنجه، مجید، ۱۳۵۸ - مترجم
شناسه افزوده: مرکز ملی مطالعات جهانی شدن
رده بندی کنگ: ۱۳۹۳ ج ۹ / KZ۱۲۷۵
رده بندی دیویی: ۳۳۱.۱۷
شماره کتابشناسی: ۳۳۱۵۱۸



مرکز ملی جهانی شدن

جهانی شدن و حاکمیت قانون

ویراستار: اسپنسر زیفکاک

مترجم: مجید بخشی گنجه

ویراستار: پونه لشگری

صفحه آرای: هزاره سوم اندیشه

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

ناشر: انتشارات مرکز ملی جهانی شدن

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۴۶-۰۳-۶

چاپ و لیتوگرافی: شرکت ایران چاپ

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

تمام حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است.

استفاده از مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی ناشر: تهران، سعادت آباد، خیابان هجدهم، پلاک ۱۷

تلفن: ۲۲۰۷۰۸۷۷، دورنگار: ۲۲۰۷۰۸۷۷

پیشگفتار

جهان امروز عصر دانایی و فناوری لقب گرفته است. در این فرآیند، کشوری قویتر است که دانش بشری را سریعتر تولید کند و به اطلاعات بیشتری دسترسی داشته باشد. این آگاهی و دانش باید در دو ویژگی روز آمدی و قابل دسترس بودن در کمترین زمان ممکن برخوردار باشد.

در دنیای پیچیده ی امروز، دانش و اطلاعات نه تنها با سرعت شگفت انگیزی تولید می شود بلکه با همان سرعت نیز جابجا می شود. در نتیجه، اندک تردید هر محققى در روزآمد کردن دانش و آگاهی خود و دستیابی سریع به اطلاعات تخصصی مورد نیاز، باعث فرسنگ ها فاصله وی از سایر همپوشانان علم می گردد.

در این رهگذر، جهانی شدن باعث شده است تا افراد جامعه جهانی بیش از پیش به اطلاعات، آگاهی و دانش احساس نیاز کنند. روزه آنکه جامعه بشری به سوی جامعه معرفتی در حال حرکت است که در آن تمام اساسیات بر اساس دانش و اطلاعات شکل میگیرد. عصر جهانی شدن ضمن برجسته ساختن نقش و اهمیت آگاهی و دانش موجبات تسهیل جریان اطلاعات را فراتر از مرزها و جغرافیای فراهم آورده است. ازاین رو است که جهانی شدن در چند دهه ی اخیر توانسته است که دولتمردان و سیاستگذاران را به خود جلب کرده و در باره آن کتب و مقالات متعددی به رشته تحریر در آمده است. همایش های زیادی در باره ابعاد و پیامدهای این پدیده در اقصی نقاط جهان برگزار گردیده و در محافل سیاسی و علمی بین المللی بدان پرداخته شده است. اهمیت موضوع، گستره ی همه جانبه آن و تأثیرات شگرفی که بر ابعاد مختلف زندگی در دنیای معاصر داشته است و دارد، ایجاب می کند که

این موضوع از جهات مختلف بررسی و واکاوی شود.

مرکز ملی مطالعات جهانی شدن در راستای انجام رسالت و مأموریت خویش مبنی بر ایجاد درک جامع و صحیح از روند جهانی شدن و فرصت ها و چالش های این پدیده و فراهم آوردن زمینه های لازم برای سیاست گذاری، تدوین راهبردها و راهکارهای مناسب برای دستگاه های علمی و اجرایی کشور جهت تصمیم گیری های صحیح و سازنده در تعامل با فرایند جهانی شدن و با هدف اطلاع رسانی به مخاطبین و علاقمندان به مباحث جهانی شدن در حوزه های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، زیست محیطی، فرهنگی، اجتماعی و ارتباطی و نیز تقویت ادبیات علمی و پژوهشی کشور در زمینه جهانی شدن اقدام به نشر اثر حاضر نموده است، با این امید که این متن بتواند در مسیر آگاه سازی جامعه علمی و دانشگاهی کشور نسبت به این موضوعی که همواره بر سر کار است، در اینجا بر خود لازم دیدن از تلاش های ارزنده ی مسئولان و کارشناسان معاونت آموزشی و پژوهشی مرکز که نهایت تلاش های درخور توجهی را برای آماده سازی این اثر جهت چاپ و انتشار معمرن داشتند، از قدردانی و سپاسگزاری نمایم.

امید است کتاب حاضر مورد استقبال پژوهشگران، دانش پژوهان و دانشگاهیان ارجمند قرار گیرد و زمینه ساز تعامل سازنده ی مرکز با نخبگان علمی و مراکز تحقیقاتی و آموزشی کشور گردد.

سیرت

رئیس مرکز ملی مطالعات جهانی شدن

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مترجم	۷
مقدمه‌ی ویراستار	۱۰
فصل یکم: از تئوری تا عمل	
۱- بازاندیشی حاکمیت قانون برای یک جهانی شده (چارلز سمفورد)	۱۹
۲- جهانی‌سازی حاکمیت قانون: بازاندیشی در شاخه‌ها، اصلاح و بهسازی نهادها (اسپنسر زیفکا)	۶۲
۳- جهانی‌سازی حاکمیت قانون؟ چالش‌های جهانی فدرالیسم آرمان‌ستایی حاکمیت قانون (مایکل کربی)	۱۱۶

فصل دوم: حقوق بشر و حاکمیت قانون

۴- حاکمیت چه کسانی؟ زنان و حاکمیت بین‌المللی قانون (هیلاری چارترورت)	۱۴۵
۵- جهانی‌سازی حقوق بشر و جهانی‌شدن اقتصاد، نقش حاکمیت قانون چیست (گریگوری کیلی)	۱۶۷

فصل سوم: تجارت بین‌الملل و حاکمیت قانون

۶- حاکمیت قانون و مبادلات اقتصادی بین‌المللی (سر آنتونی ماسون)	۲۱۱
۷- نقش حاکمیت قانون در تنظیم جریان‌های جهانی سرمایه (راس پی. باکلی)	۲۴۴

فصل چهارم: امنیت بین الملل و حاکمیت قانون

- ۸- حاکمیت، حقوق بین الملل و همکاری جهانی (مالکم فریزر) ۲۸۳
- ۹- نقش نیروهای نظامی در جهانی شدن حاکمیت قانون (مایکل کلی) ۳۱۷
- سخن آخر مترجم ۳۵۱

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجم

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

«جهانی شدن» پارادایمی است بسیار گسترده که با قاطعیت نمی‌توان در مورد تمامی تبعات پیرامون آن سخن گفت. به همین جهت، بروز و ظهور برخی آثار و نتایج آن، گمانه‌زنی‌های فراوانی را در مجامع دانشگاهی به همراه داشته است. گرچه احصاء ابعاد تبعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهانی شدن کمی دشوار و ذهن و دشوار می‌نماید، متخصصان هر حوزه متناسب با میزان اثرگذاری موضوع مورد بحث عهده در آن حوزه، نظرات متفاوتی مطرح نموده‌اند. حقوق بشر با گسترده‌ی وسیعی از مسائل مختلف، تجارت بین‌الملل با سیر فزاینده‌ی تحولات حادث در حوزه آن، امنیت بین‌الملل با بحران‌های بی‌شمار فرا روی آن، مسئله چالش برانگیز حقوق زنان و ارتباط آن با حاکمیت بین‌الملل؛ گروه‌های مسلح و نقشی که در استقرار حاکمیت قانون بر عهده دارند، سازمان‌های بین‌المللی و تحولات ساختاری که باید در آنها صورت بگیرد؛ روند رو به رشد تبادلات بین‌المللی و تأثیر آن بر تقویت و افزایش همکاری کشورها با دیوان کیفری بین‌المللی و انبوهی دیگر از مسائل و مضامین مبتلا به جامعه جهانی عمده‌ترین مواردی هستند که پژوهشگران محترم در این کتاب مورد بررسی قرار داده‌اند. این مجموعه نتیجه‌ی تلاش جمعی از صاحب‌نظران حوزه‌های گوناگون است، هر یک از این اندیشمندان تلاش نموده‌اند با بررسی یکی از جنبه‌های این مبحث، نتایج بدست آمده را جهت فهم بهتر و عمیق‌تر این گفت‌وگو اثرگذار قرن حاضر ارائه دهند. این کتاب در قالب چهار فصل کلی و دربردارنده نُه مقاله با موضوع‌های

متفاوت است. مسائل مطرح شده در هر مقاله به خوبی و با ظرافت تمام تجزیه و تحلیل و نتایج ارزشمندی نیز بدست آمده است. امید است استادان، دانشجویان و پژوهشگران محترم با بهره‌گیری کافی و وافی از اثر حاضر، در مسیر حل مشکلات سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور عزیزمان گام بردارند. بدیهی است این ترجمه که با بضاعت علمی ناچیز اینجانب ارائه گردیده عاری از اشکال نبوده و ممکن است انتقاداتی نیز بر آن وارد باشد. لذا ضمن عرض پوزش از محضر اندیشمندان محترم، آماده‌ی پذیرش انتقادات وارد و رفع اشکالات احتمالی می‌باشم.

به رسم ادب مراتب تشکر صمیمانه خود را از استاد معظم جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، ناظر محترم این پروژه سرکار خانم دکتر آرش بهائی، برادر بزرگوار جناب آقای جواد شجاع و همچنین همکار عزیز جناب آقای حمید دلی اعلام می‌دارم. در نهایت از کلیه مسئولان محترم مرکز مطالعات جهانی شدن که زمینه‌ی چاپ و انتشار این اثر را فراهم آورده‌اند، تشکر و قدردانی نموده توفیق روزافزون ایشان را از این دو سال مسئلت می‌نمایم.

مجید بخشی گنجه

مقدمه‌ی ویراستار^۱

اسپنسر زیفکاک

جهانی‌شدن ایده‌ی روزگار ماست. تقریباً در تمامی عرصه‌های فعالیت انسانی، هم پیوندی‌های بین‌المللی مرسوم، مؤسسات، دولت‌ها و نظام‌ها بصورت فزاینده‌ای در حال افزایش است. خواه این فعالیت‌ها اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی، زیست‌محیطی باشد یا سیاسی مشمول وضعیت موجود است. مسائل و مشکلاتی که از هریک از این حوزه‌ها نشأت می‌گیرند به شکل فزاینده‌ای متعلق به جهانی به خود می‌گیرند. جریان‌های فرامرزی عظیم انسانی، نقل و انتقال کلان و سریع سرمایه، شیوع بیماری‌ها، تخریب محیط زیست، شکاف مدام در حال افزایش فقر میان شمال و جنوب، گسترش و توسعه‌ی شبکه‌های تروریستی، سوء استفاده از حقوق بشر و مسابقات گلبازی میان دولت‌ها. این تغییرات جهانی، چه آنهایی که بر ما اثر می‌گذارند و چه آنهایی که تأثیر ما هستند، فرصتی می‌دهند برای فکر کردن، در مورد اینکه (آیا و) چگونه ارزش‌های احترام که به صورت سنتی میان ملت‌ها محترم شمرده می‌شوند، ممکنست در عرصه‌های بین‌المللی مجدداً مرسوم، متداول و مورد احترام قرار گیرند. وقتی همه چیز متفاوت باشد تفاوت با ما هم طبیعتاً متفاوت خواهد بود و به همین ترتیب، وقتی همه چیز بسیار پیچیده و دسوار شود، دانش، نگرش‌ها و ارزش‌های ما نیز باید متناسب با آنها انطباق یافته و ترقی یابند. این کتاب به یکی از این ارزش‌های بزرگ می‌پردازد: حاکمیت قانون. درخصوص این موضوع که "حاکمیت قانون" خوب است، تقریباً در سراسر جهان اختلاف نظری وجود ندارد؛ بلکه مشکل و معضل از تفسیر و اعمال این ارزش‌ها سرچشمه می‌گیرد. چنین وضعیتی در

میان ملت های مختلف بدیهی و قابل رؤیت است و در عرصه ی جهانی جایی که مانیفست های عمده ی بنیادین حقوق بین الملل (عمومی یا خصوصی) به مراتب نوسان کمتری دارند، آشکارتر است. نظریه حقوق جهانی، عموماً در تفسیر و شباهت در اعمال یکی از موارد عمیقاً چالش برانگیز و دور دست است. هدف از این مجموعه ویرایش یافته، تلاش برای بازآفرینی مفهوم حاکمیت قانون است، آن گونه که در سیاق جهانی جدید دوران ما قابل اعمال باشد.

این پروژه در قالب یک همایش (the Vice-Chancellor's symposium) در دانشگاه بریگز (بریزبن استرالیا ۲۰۰۱) آغاز گردید. این همایش جمعی از مشارکت کنندگان و سخنرانان فدرال و ریاست مداریان، قضات، حقوق دانان بین المللی، اعضای نیروهای مسلح و دانشگاهیان را گرد هم آورده بود. این همایش پس از حوادث کوزوو و اخلاص در اسلام سازمان تجارت جهانی در سیاتل و البته قبل از حملات ۱۱ سپتامبر و جنگ اخیر عراق به سر شده است. هر کدام از این رخدادها، نقش و اثر قطعی خود را بر فهم عدالت و حقوق بین الملل معاصر بر جای می گذارد. از آن جایی که این بحران ها غیر مترقبه بودند، شرکت کنندگان پژوهش، مقالات خود را بازنگری و بازنویسی کردند تا حداقل اطمینان حاصل شود که این کتاب با ارتباط و وابستگی بلا فصلی تداوم می یابد (از یک ویراستار، نمی توان بیش از این انتظار داشت). این مجموعه به چهار بخش تقسیم می شود: سه فصل مقدماتی که ایده ی سیاست قانون را از تئوری تا عمل مورد کاوش قرار می دهند و پس از آن سه فصل که به صورت مورد بازآفرینی مفهوم و بکارگیری مجدد ارزش های عمده حقوقی در سه چارچوب توسعه متفاوت، حقوق بشر، تجارت و اقتصاد بین الملل و سیاست بین الملل و مسائل نظامی می پردازد. بخش اول با مقاله ی پروفسور "چارلز سمفورد" آغاز می شود. سمفورد تحلیلی تاریخی از مفهوم حاکمیت قانون، ابتدا در سطح داخلی و سپس در سطح بین المللی ارائه می دهد. وی تئوری های قوی، مستدل و پرمایه حاکمیت قانون را با تئوری های نامستدل، ضعیف مقایسه، تطبیق نموده و استدلال می کند که در عرصه ی بین المللی تئوری های کم مایه و نامستدل ترویج یافته است. به عبارت دیگر وی معتقد است که حاکمیت جهانی قانون باید رسمی تر باشد تا واقعی تر. آنچه که او می گوید، در راستای انکار اهمیت و وابستگی، ایده

و ارزش‌های سیاسی مرتبط همچون دموکراسی، حقوق بشر و برابری نیست. به سادگی می‌توان ابراز داشت که موقعیت موصوف باید به عنوان یک وضعیت مستقل انطباق داده شود و همچنین بصورت جداگانه (نسبت به آنچه که در بازآفرینی موسع مفهوم حاکمیت قانون آن گونه که بصورت بین‌المللی از آن استنباط می‌شود) مورد ارزیابی قرار گیرد. وی سپس تفاوت‌های بسیار مهم میان چارچوب‌های داخلی و جهانی، که حاکمیت قانون در آنها تفسیر و اعمال می‌شود را توصیف می‌کند. پس از این توصیف، وی از مقاله‌اش از طریق استنباطش مجموعه‌ای جامع از استدلال‌هایی که نافی تجسم این ارزش‌های حقوقی در صحنه جهانی‌اند علاوه بر این، ضد استدلال‌هایی متقاعدکننده و مستدل - برای مواردی که راه را برای حرکت به سمت گرایانه هموار می‌سازند (مبنی بر آنکه چگونه یک مفهوم پذیرفته شده حاکمیت قانون باید یک مانیفست بین‌المللی ایجاد نماید) فراهم می‌آورد. من در فصل دوم ارزش‌های را تعریف می‌کنم که معتقدم باید مبنای حاکمیت جهانی قانون باشد. این ارزش‌ها قانونی بودن، مشروعیت، برابری، پاسخگویی و تعهد به حقوق بنیادین بشر است. این تا اندازه‌ای، مفهوم تری غنی‌تر از نظر سمفورد در خصوص شمول ابعاد حقوق بشر است. من فکر می‌کنم که این مفهوم از نظر تاریخی و هم از نظر مفهومی قابل توجیه است. پس از توصیف این روش‌ها، تعدادی از سازوکارهای نهادی مهم و مرتبط را پیشنهاد می‌کنم که ممکن است هر یک از این روش‌ها در آنها گنجانیده و یا از طریق آنها به اجرا درآیند. این سازوکارها شامل ایجاد ساختارهای مناسب برای تسهیل حقوقی، فرآیندهای حل اختلاف، رویدادهای اجرایی و تسری اصول حقوق بشر به سازمان‌های اصلی نظارتی و قانونگذاری بین‌المللی می‌شود. سپس من این چارچوب را برای مثال از طریق نظام اداری سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی و نظام نظارتی موسسه‌های حقوق بشری ملل متحد اجرایی کردم.

قاضی میشل کربی اندوخته‌ای از مهارت، تجربه و دانش کاربردی برای مشارکت را در فصل سوم به ارمغان آورده است. وی استدلال می‌کند آنچه که ما در حال حاضر در جهان از طریق بین‌المللی کردن تجربه می‌کنیم نسبت به واقعیت‌های تحولی انسان و جهان، طبیعی محسوب می‌شود. ممکن است سرعت و شکل آن متغیر باشد اما فرآیندهای سازگاری با آنها همسان است. وی تجربه شخصی گسترده خویش و همچنین مشارکت در

توسعه حقوق بین الملل با توجه به مسایلی چون حریم خصوصی، خودمختاری، مبارزه علیه بیماری ایدز و حل و فصل مخاصمات بین المللی را بکار گرفته و نشان می دهد که ما باید در مورد تحولات اخیر حاکمیت بین المللی قانون بیشتر خوشبین باشیم نه بدبین. وی استدلال می کند معمولاً بکارگیری حقوق بین الملل در حوزه های داخلی مفید بوده است. با این حال، اینکه آیا این وضعیت همچنان به عنوان یکی از معضلات جامعه بین المللی - حتی مشکلات پیچیده و دشوارتر بویژه در مورد اقتصاد و تجارت و از بین بردن و معادله استفاده از حقوق بین الملل بشر - باقی خواهند ماند را باید به نظاره نشست. در بخش دوم کتاب، پروفیسور هیلاری چارلز ورت و پروفیسور دیوید کینلی به موضوع حقوق بنیادین بشر می پردازند. چارلز ورت می پذیرد که حفاظت از حقوق بین الملل بشر به درستی با محدود کردن حاکمیت قانون قرار می گیرد. با این حال، این پذیرش آسان و ناآزموده می تواند برای یک تعهد رسمی به رعایت حقوق بشر و اقدامات اساسی در تداوم نابرابری جنسیتی همان باشد. متعاقباً، بسیار مهم است که هرگونه بازآفرینی مفهومی حاکمیت جهانی قانون سازمان یافته انتمیستی نیز بشود. وی موضع خود را به روشنی با مثال هایی نشان می دهد که بر اجراء عدم اجرای اعلامیه پکن^۱ و بستر و خط مشی عملی مربوط به تساوی حقوق زنان، آثار و کاربردهای جنسیتی متغیر حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی تأثیر استدلال ها و اقدامات انجام شده بر مبنای نسبت فرهنگی حقوق مربوط می شود. در جهت ارتقاء و پیشبرد موقعیت زنان درون یک چارچوب حقوقی جهانی، ایشان استدلال می کند بذل توجه فوری به ساختارها جنسیتی نهادهای حقوقی بین المللی و گسترش و توسعه طبقات حقوق بنیادین بشر، که بهتر است با واقعیت های زندگی زنان و نگرانی های مربوطه موجود در سراسر جهان منطبق باشد لازم است. کینلی تعامل گسترده و پیچیده میان توسعه اقتصاد جهانی از یک سو و میل به حمایت و پیشبرد حقوق بشر فردی از سوی دیگر را مورد حمله قرار می دهد. وی تلاش های صورت گرفته برای آزاد سازی جهانی اقتصاد و شرکت های تجاری را به صورت موسع در واژگان حقوقی همچون محلی گرایی جهانی شده توصیف می کند. در مقابل وی جهانی سازی حقوق بشر را به جهانی شدن محلی تعبیر می کند. در برخی موارد این دو

گرایش مکمل هم‌دیگرند و در مواردی دیگر به وضوح در تضاد با هم‌دیگر هستند. آنها جایی مکمل‌اند که نتایج پیشرفت‌های اقتصادی و تجاری در راستای افزایش ظرفیت‌های فردی برای رفع نیازها و ایجاد قابلیت‌های بیشتر باشد. آنها ممکن است جایی که هزینه‌ی پیشرفت‌های اقتصادی در افزایش فقر و نابرابری جهانی همزمان باشد با کاهش تأمین نیازها و تحقق قابلیت‌ها در بسیاری از بخش‌های جهان، در تضاد با هم‌دیگر باشند. کینلی با توجه به پیچیدگی، همه‌گیری و تعدد ساختارهای متضاد این گرایش‌ها، نتیجه‌ی می‌گیرد که حاکمیت قانون به خصوص آن‌جایی که بر تعهدات حقوق بشری تأکید می‌کند، کنست تنها نقش محدودی در پرداختن به معضلات مربوطه ایفاء نماید. حاکمیت قانون به تنهایی نمی‌تواند رعایت حقوق بشر را تضمین نماید. سیاست‌ها و استراتژی‌های اقتصاد سیاسی اجتماعی گسترده‌تر اگر حائز بیشترین اهمیت نباشند، هم‌سنگ آنها ارزش دارند. سوئین بر این باور است که دید ما را نسبت به حاکمیت قانون در قانون‌گذاری اقتصاد جهانی وسعت می‌بخشد. هر آن‌کس که ماسون در ابتدا بحث قانون‌گذاری اقتصاد جهانی را مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرد که این موضوع یکی از مهمترین حوزه‌ها است، با این وجود، اجرای آن در عمل ناممکن است، دست کم از آن جهت که دولت ملت‌ها، چه بصورت جداگانه و چه به شکل حاکمیت فاعل حاضر فاقد توانایی یا اختیار برای کسب کنترل مؤثر بر جریان تبادلات مالی بین‌المللی هستند. بنابراین، باید روی تقویت و اصلاح آژانس‌های بین‌المللی قانون‌گذاری تمرکز شود. در آنتونی، سپس توجه خود را به سازمان تجارت جهانی و موافق‌نامه‌ی تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) معطوف می‌دارد. وی قابلیت‌ها و سازوکارهای حل اختلاف حال حاضر را مورد ارزیابی قرار داده و نتیجه می‌گیرد که هدف اولیه در دستیابی به حاکمیت بین‌المللی قانون باید تقویت آنها باشد و در این فرآیند این سازمان‌ها و دیگر آژانس‌های تابعه مشابه باید پاسخ‌گو و شفاف باشند. پروفیسور راس با کمالی به این مسأله پر دردسر پرداخته که چگونه جریان جهانی سرمایه ممکن است بصورت قانونی در جهت منافع عمومی بین‌المللی قرار گیرد. وی میزان جریان سرمایه را بررسی نموده و ابراز می‌دارد بازارهای سرمایه در حال رسیدن به درجه‌ای از یکپارچگی و استقلال بی‌سابقه هستند. در نتیجه وظیفه‌ی مداخله برای تنظیم این بازارها با فرض اینکه مطلوب باشد، بسیار وسیع و بزرگ

خواهد بود. با این وجود، باکلی چهار گزینه‌ی اصلی برای تنظیم جریان های جهانی سرمایه پیشنهاد می دهد که هریک از آنها مستلزم دگرگونی های قابل توجهی در مهندسی مالی بین المللی موجود است. وی حسن ها و عیب های یک دیوان جهانی ورشکستگی، یک بانک مرکزی جهانی، یک وام دهنده جهانی به عنوان آخرین علاج و تحمیل مالیات بر جریان های مالی بین المللی را مورد بررسی قرار می دهد. وی سپس از بحث های خود با توجه به اقدامات حاکمیتی ملت ها که ممکن است برای کمک به تلاش های نظارتی صورت پذیرند، نتیجه گیری می کند.

بخش پایانی کتاب به بررسی حاکمیت قانون در چارچوب صلح و امنیت بین المللی می پردازد. نخست ویر سابق استرالیا، مالکوم فریزر، در مقاله‌ی خود تحلیلی گسترده و روشنگر بحران های عمده سیاسی ارائه داده که جهان در پنج سال گذشته به خود دیده است. وی به بررسی مداخله ناتو در کوزوو، حملات ۱۱ سپتامبر و جنگ اخیر عراق را بر حاکمیت بین المللی قانون مورد بررسی قرار داده است. وی از به حاشیه رانده شدن وظیفه‌ی سازمان ملل متحد، در خصوص صلح و امنیت بین المللی مندرج در منشور مؤسس اش ابراز تأسف می کند. در این حال، وی متذکر می شود شورای امنیت نسبت به تعیین شرایط و زمان مداخله در مواردی که ممکن است ملاحظات بشردوستانه ایجاد نماید، کمتر بصورت کامل عمل می کند. وی نتیجه می گیرد برای تمام این عیب ها، بحران های بزرگ بین المللی باید در ابتدا به شورای امنیت ارجاع داده شوند. شورای امنیت به نوبه خود باید تجدید ساختار و تقویت شود. وی برایش از این استدلال می کند به منظور تثبیت حاکمیت بین المللی قانون، بازنگری حقوقی صلح و اقدامات شورای امنیت باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. بدون تقویت نظام همکاری ها، همراه با همکاری و پشتیبانی بین المللی بیشتر، ممکن است نظام حل و فصل اختلافات بین المللی، استقرار یافته از زمان جنگ جهانی دوم در معرض خطر باشد. مایکل کلی در متن تحلیل های کلان فریزر تحلیل هایی در سطح خردتر ارائه می دهد. کلی بر مبنای تجربه های خود از عملیات های حفظ صلح بین المللی استنباط می کند نیروهای نظامی غربی و در این میان بویژه نیروهای دفاعی استرالیا نقشی محوری در استقرار مجدد حاکمیت قانون در کشورهایی که بواسطه جنگ های داخلی دچار از هم گسیختگی شده و یا به علت تدابیر

و دسیسه های سیاسی تخریب شده اند، ایفاء میکند. وی نقش ارتش را در این زمینه در چندین چارچوب مختلف مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهد؛ احیای حاکمیت قانون در چارچوب عملیات های پیچیده حفظ صلح؛ پشتیبانی نظامی از دیوان کیفری بین المللی؛ حمایت از حقوق بشر و مبارزه علیه تروریسم بین المللی - پدیده ای که نقطه مقابل حاکمیت قانون است. وی موارد متقاعد کننده ای در هر یک از حوزه ها مطرح می کند، نیروهای نظامی که به درستی مدیریت می شوند، آموزش دیده اند و تجهیز شده اند، مرزهای مالوده حیاتی و وظیفه احیای حاکمیت قانون در دولت ها و جوامع ناکام را تأمین نمایند. این کتاب به طور خلاصه، مروری جامع بر چالش های موجود بر سر راه حاکمیت بین المللی قانون را می دهد و به روش ها اشاره می کند که در آنها حقوق ممکنست در آینده بر مبنای بیگانه و شایسته حضور در تنظیم فعالیت های جهانی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، کیفی عهده دار باشد.

پی نوشت

۱. اسپنسر زیفکاک؛ دانشیار حقوق و مطالعات حقوقی دانشگاه (La Trobe) ملبورن استرالیا؛ مدیر سابق کمیسیون بین المللی حقوق دانان است که این اثر را با همکاری واس پی. باکلی؛ استاد و مدیر اجرایی مرکز امور بین الملل و تجارت جهانی تیم فیشر دانشگاه (Bond)، کوینزلند استرالیا؛ هیلاری چارلز ورت؛ استاد و مدیر مرکز حقوق بین الملل دانشگاه ملی استرالیا، کانبر؛ مالکم فریزو؛ نخست وزیر استرالیا (۱۹۸۳-۱۹۷۵)؛ مایکل کلی؛ سرهنگ دوم مایکل کلی عضو نیروهای مسلح استرالیا، در عملیات های حفظ صلح در کوزوو، تیمور شرقی، افغانستان و عراق مشارکت داشته است؛ دیوید کینلی؛ استاد و مدیر مرکز حقوق بشر (Castan) دانشگاه (Monash) ملبورن استرالیا؛ مایکل کریبی؛ قاضی دیوان عالی استرالیا، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در کامبوج؛ سرآنتونی ماسون؛ رئیس دیوان عالی استرالیا (۱۹۹۴-۱۹۸۷) و رئیس سابق دانشگاه (New south Wales) سیدنی استرالیا؛ چارلز سمفورد؛ استاد و مدیر اجرایی مرکز اخلاق، حقوق، عدالت و حکمرانی دانشگاه (Griffith) بریزبن استرالیا به رشته تحریر درآورده است.